

بررسی و مقایسه نظام آموزشی حوزه و دانشگاه

جابر کریمی*، احمدرضا نصر اصفهانی** و محمود حاجی احمدی***

* کارشناس ارشد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران

** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

*** عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان

چکیده

تعلیم و تربیت نقش مهمی در رفتار فردی و اجتماعی دارد و تاثیر زیادی در فرآیند رشد و توسعه یک کشور بر جا می‌نهد. تعلیم و تربیت علاوه بر انتقال علم و دانش، ارزشهای دیگری را نیز از جمله نظم و انضباط، تعهد و احساس مسؤولیت در جوانان تقویت می‌کند و آنان را به سوی پژوهش، خلاقیت و ابتکار سوق می‌دهد. در کشور ما، وظیفه آموزش و تربیت افراد جامعه در سطوح عالی بر عهده حوزه و دانشگاه است.

به لحاظ اهمیت خاص و جایگاه ویژه دو نهاد آموزشی حوزه و دانشگاه در کشور ما و اهداف و سیاستهایی که این دو نهاد بر عهده دارند، انجام کارهای مقایسه‌ای در مورد آنها بسیار ضروری است. این مقاله با استفاده از منابع مختلف علمی و دیدگاههای تعدادی از استادان حوزه و دانشگاه، به بررسی و تحلیل نظام آموزشی حوزه و دانشگاه، تحلیل و تبیین نقاط ضعف و قوت آنها می‌پردازد. در این مقاله، پس از بیان مقدمه و هدف، به دوره‌ها و مراحل تحصیل، شیوه‌های تدریس، چگونگی انتخاب استاد و دروس در حوزه و دانشگاه، پرداخته خواهد شد و سپس این دو نظام مورد مقایسه قرار خواهند گرفت. در پایان، پیشنهادهایی برای رفع عیبهای نظام آموزشی حوزه و دانشگاه ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: حوزه، دانشگاه، آموزش تطبیقی.

از جمله یافته‌های این پژوهش، این است که هر دو نظام حوزه و دانشگاه دارای قوتها و ضعفهایی هستند که باید از نقاط قوت یکدیگر استفاده نموده و برای رفع کاستیهای خود بیش از پیش بکوشند. شایان ذکر است که با توجه به اهمیت تدریس در حوزه و دانشگاه، تاکید این مقاله بر این بحث بوده و به موضوعات دیگر نپرداخته است. بدیهی است که با توجه به عمق و ژرفای موضوع مورد بحث، نمیتوان به همه ابعاد حوزه و دانشگاه پرداخت، و از طرف دیگر، باید توجه داشت که نمیتوان شیوه‌های تدریس حوزه و دانشگاه را در همه رشته‌ها با یکدیگر مقایسه نمود، زیرا در حال حاضر، دانشگاه جامع همه علوم بشری است، در حالی که حوزه تنها به تدریس معدودی از علوم می‌پردازد. بنابراین، مقایسه کلی حوزه و دانشگاه امری ناصواب است، بلکه مقایسه تدریس در حوزه باید با رشته‌های مشابه خود در دانشگاه صورت گیرد، نه با همه رشته‌های دانشگاه. نکته قابل توجه دیگر این است که تمام مراحل حوزه با دانشگاه قابل مقایسه

نیست بلکه طبق سطح‌بندی مراحل حوزه، مرحله مقدماتی حوزه شبیه مراحل قبل از تحصیلات دانشگاهی است. لذا در این پژوهش مرحله سطح یک به بالا مورد توجه می‌باشد.

به خاطر سر و کار داشتن طلاب با قواعد دستور برای نگارش و یادگیری آیین خطابه و فن سخنوری برای سخنرانی و تبلیغ، فراگیری درس ادبیات فارسی نیز در حوزه‌های علمیه ضروری می‌نماید و لازم است توجه جدی به آن بشود.

شایان ذکر است که در سالهای اخیر طبق مصوبات کمیته علمی شورای عالی حوزه علمیه قم، برای حوزه‌ها چهار مرحله تحصیلی پیش‌بینی شده است که در حال حاضر با تدوین قوانین و مقررات لازم بعضی از مراحل آن در حال اجرا است (پیام حوزه، بهار ۱۳۷۷، ص ۳). این چهار مرحله عبارتند از: ۱- مرحله عمومی به مدت شش سال شامل دو مرتبه مقدماتی و سطح یک؛ ۲- مرحله پایه تخصص به مدت چهار سال (سطح دو)؛ ۳- مرحله تخصص (دوره اول خارج) به مدت چهار سال؛ و ۴- مرحله اجتهاد (دوره عالی خارج) به مدت چهار سال.

هدف مرحله عمومی آشنا نمودن طلاب با مقدمات معارف اسلامی و علوم حوزوی بمنظور ایجاد زمینه‌های لازم برای کسب آموزشهای سطوح بالاتر است. تربیت مدرس و مبلغ برای ارایه معارف اسلامی در سطوح مدارس راهنمایی و متوسطه کشور و محیطهای کوچک روستایی و شهری از دیگر هدفهای این مرحله است. هدف مرحله تخصص، تربیت مبلغ در سطح شهرستان و تربیت مدیران سازمانهای فرهنگی و اجرایی است. هدف مرحله تخصص، تربیت مبلغ در سطح دکتری دانشگاهها و برای ارایه تبلیغ در سطح استانهای کشور است، و هدف دوره اجتهاد، رسیدن طلاب به درجه اجتهاد و استنباط احکام شرعی از ادله فقهی و اصولی است (شورای عالی و مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۷۹؛ مصوبه شماره ۴۴).

یکی از تحولات جدید در برنامه‌های حوزه علمیه، برگزاری رشته‌های تخصصی است. طلابی که دو سال درس خارج خوانده باشند، با شرایط و ضوابط خاصی، بعد از شرکت در آزمون ورودی و با توجه به ظرفیت پذیرش، میتوانند در این دوره‌ها شرکت نمایند. مدت تحصیل در این رشته‌ها حدود چهار سال است که شامل ۵۰۰ ساعت فقه و اصول، ۱۰۰۰ ساعت دروس مربوط به رشته و حدود ۵۰۰ ساعت پژوهش می‌باشد (شورای عالی مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۷۹؛ مصوبه

۶۱). رشته‌های تخصصی که در حال حاضر در حوزه علمیه قم راه‌اندازی شده عبارتند از:

- تبلیغ
- تفسیر و علوم قرآن
- عقاید و کلام
- قضا
- فلسفه

پیش بینی شده است که قبل از ورود طلاب به هر مقطع، آزمون ورودی گرفته شود تا افراد مستعد جهت انجام امور تبلیغی، فرهنگی و رسیدن به درجه اجتهاد شناسایی شوند و به طلاب واجد شرایط، پس از طی دوره‌های تحصیلی مذکور، طبق ضوابط مدارک علمی رسمی (نه معادل) اعطا گردد (پیام حوزه، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۹).

شیوه تحصیل در حوزه

کسی که مشغول تحصیل در حوزه است، باید با شیوه‌های زیر به تحصیل بپردازد زیرا یکی از عمده‌ترین اهداف تحصیلات فعلی حوزه تربیت مجتهد است و این هدف جز با شیوه‌های زیر حاصل نمی‌شود. در سالهای اخیر و بعد از تاکیدات مقام معظم رهبری، تحولات اساسی در حوزه‌های علمی صورت گرفته است. از جمله این تحولات، ایجاد رشته‌های تخصصی متعدد و مراکزی برای جذب طلاب مستعد و سوق دادن آنها به سوی مراکز آموزش عالی برای تقویت رشته‌های علوم انسانی دانشگاهها می‌باشد. همانطور که گفته شد تحصیل موفق در حوزه طی مراحل زیر تحقق می‌یابد که با توجه به ترتیب زمانی آنها، ارایه می‌شود:

۱- پیش مطالعه: منظور از پیش مطالعه آن است که طلبه قبل از حضور در کلاس، درس جدید را خود مطالعه کند و به منابع و کتب مشابه مراجعه نماید تا مطالب بیشتری در مورد درس جدید یاد بگیرد. پیش مطالعه، روش و محدودیت خاصی ندارد، ولی حداقل آن، این است که طالب علم به منابع و مراجعی که استاد بنحو معمول از آنها استفاده می‌کند، مراجعه نماید. حد بالای پیش مطالعه این است که طلبه بکوشد در مساله مورد بررسی به یک قضاوت دست یابد.

۲- پیش مباحثه: مباحثه، مرور و نقد و بررسی درس جدید است که توسط چند نفر طلبه به صورت گروهی انجام می‌شود. اگر این کار قبل از شرکت طلاب در درس جدید انجام شود، به آن پیش مباحثه می‌گویند. در پیش مباحثه، طلاب آنچه را که استاد می‌خواهد مطرح کند، قبلاً مباحثه می‌کنند. یک سطح پیش مباحثه، بحث کردن پیرامون مطالبی است که استاد بنحو معمول ارایه می‌دهد و سطح بالاتر آن، اظهار نظر کردن و قضاوت کردن است که تاثیر فراوانی در رشد علمی و تحقیقی افراد دارد. پیش مباحثه، علاوه بر آماده نمودن طلاب برای فراگیری درس، توان فکری آنان را عمق می‌بخشد و موجب رفع اشکالات آنان می‌شود. اگر چه این شیوه بسیار مفید است، ولی به اندازه مباحثه (مرحله پنجم) در میان طلاب رایج نیست و متأسفانه هر روز کم فروغ‌تر می‌شود.

۳- حضور در درس: قبل از ارایه درس جدید، خلاصه درس گذشته توسط یکی از شاگردان یا استاد بازگو می‌شود که موجب یادآوری مطالب قبل و پیوند آنها با درس جدید می‌گردد. در حین تدریس، طلبه میتواند سوالاتی را که برای او پیش می‌آید با کمال راحتی مطرح سازد و پاسخ دریافت کند. یادداشت کردن مطالب کلاس درس در صورتی که فرد بتواند توجه خود را حفظ کند، کار مناسبی است.

۴- مطالعه: اگر کسی پیش مطالعه را خوب انجام داده باشد و در درس استاد هم حضور فعال و هوشیارانه داشته باشد، مطالعه برای او چندان مشکل نیست و ممکن است نکات مبهم کمی باقی مانده باشد که باید آن را حل کند و یا نکته‌ای را به بحث اضافه نماید.

۵- مباحثه: هنگام مباحثه: کسی که می‌خواهد مطالب را ارایه کند، باید به گونه‌ای آنها را مطرح کند، که گویی در حال تدریس است. به عبارت دیگر، باید در کیفیت عرضه مطالب بیندیشد و اشکالات و ابهامهایی را که دارد ذکر کند و اگر پاسخی برای آنها دارد، مطرح نماید و دیگران هم بحث و انتقاد کنند تا مباحثه زنده و فعال باشد و این نوعی تمرین برای تدریس آینده است. مباحثه، ارزشهای یادگیری و آموزشی فراوانی دارد، زیرا یادگیری را تسهیل می‌کند، به عنوان عامل تشویق به کار می‌رود، مهارتها را تقویت می‌کند، ارتباطات علمی گروهها را تحکیم می‌بخشد، موجب یادآوری انتقال و تعمیم مهارتها و دانشها می‌گردد و سرعت انتقال را افزایش می‌دهد. یادگیری براساس تصمیم و هدف، تحکیم آموخته‌ها و یادآوری مجدد، تقویت یادگیری و تمرین تدریس، سنجش، توانایی دریافت بازخوردهای سریع، تحکیم مناسبات گروهی و انتقال و تعمیم دانش از دیگر ویژگیهای اساسی روش مباحثه است (حوزه، ۱۳۷۴، صص ۶۸-۶۹).

۶- تنظیم مطالب و یادداشت آنها: طلاب در مراحل مختلف (پیش مطالعه، در کلاس درس، در حین مباحثه و ...) میتوانند یادداشتهای گوناگونی تهیه کنند. نوشته‌ها باید به گونه‌ای باشد که همه آنها در یک محور تنظیم و تدوین شده باشد و مسایل مهم ثبت و ضبط گردد و در صورت لزوم با مراجعه ساده به مسایل حضور ذهن حاصل شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۶، صص ۶۱-۶۳).

۷- آزمون دروس: در پایان هر سال تحصیلی، از طلاب در مورد هر درس به صورت جداگانه جهت ارزشیابی یادگیری آنان، آزمون به عمل می‌آید. در دروسی مانند تاریخ اسلام و حفظ و تفسیر قرآن که طلاب به صورت مطالعه آزاد به یادگیری آنها می‌پردازند و به صورت خودخوان ارایه می‌شود، سوالات آزمون به صورت متمرکز از حوزه علمیه قم به حوزه‌های علمیه شهرستانهایی که تحت برنامه حوزه قم هستند فرستاده می‌شود و در شهریور ماه از طلاب آزمون به عمل می‌آید. در دروسی که نیاز به تشکیل کلاس در طول سال تحصیلی دارد، در پایان سال تحصیلی اساتید هر درس، خود یک آزمون به عمل می‌آورند و نمره هر طلبه را مشخص می‌سازند. همچنین سوالات امتحانی در مورد هر درس، در پایان سال تحصیلی نیز از حوزه علمیه قم به تمام شهرستانها فرستاده می‌شود و دوباره از طلاب آزمون به عمل می‌آید. نمره واقعی طلبه از حاصل جمع این دو آزمون و تقسیم آنها بر دو محاسبه می‌شود. چنانچه فردی در آزمون خرداد ماه نمره قبولی کسب ننماید، آزمون مجدد در شهریور ماه برگزار می‌گردد. برای مرحله تخصص و اجتهاد، علاوه بر آزمون پایان دوره، شرکت در مصاحبه علمی، ارایه فعالیت‌های علمی و ارایه رساله در پایان دوره نیز پیش‌بینی شده است (شورای عالی و مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۷۹؛ مصوبه ۴۴).

چگونگی انتخاب استاد و درس در حوزه

طلاب در گزینش استاد آزادی عمل دارند، ولی باید استادی را انتخاب کنند که سطح علمی‌اش برای طلبه مفید باشد و بتواند ابهامات و اشکالات طالب علم را بر طرف نماید. نظام آموزشی معینی وجود ندارد که با توجه به ارزیابی علمی طلاب و وضعیت علمی استادان، مشخص کند که چه استادی برای چه کسی مفید است، لذا طلاب باید خود، استادشان را انتخاب کنند و تحت تاثیر شهرت استاد و دوستانشان قرار نگیرند (ضوابطی، ۱۳۵۹، ص ۶۸). طلاب در

گرفتن تعداد درس آزاد هستند، ولی همیشه باید توانایی علمی و سایر شرایط خود را بسنجند و آن را محور برنامه‌ریزی درسی خود قرار دهند. آنها نباید کیفیت درس را فدای کمیت آن سازند و باید به اندازه استعداد و توان خود درس انتخاب کنند (پیام حوزه ۱۳۷۲، ص ۲۱).

در حال حاضر علاوه بر روش مذکور که از دیر زمان متداول بوده است، طلابی که تحت برنامه مدارس به تحصیل اشتغال دارند، در انتخاب تعداد درس، ساعت تشکیل کلاس و انتخاب استاد با محدودیت بیشتری مواجه هستند و باید خود را با برنامه درسی ارایه شده از طرف مدرسه تطبیق دهند. طلاب دوره‌های عمومی و دوره پایه تخصص بویژه افرادی که در شهرستانها تحصیل می‌کنند بیشتر به این نوع از برنامه‌ریزی درسی سوق داده می‌شوند.

شیوه تدریس در حوزه

بیشتر اساتید در دوره مقدمات و سطح از یک شیوه پیروی می‌کنند. شیوه تدریس در دوره خارج، مقداری با دوره سطح و مقدمات متفاوت است که در ادامه بحث توضیح داده خواهد شد. شیوه مرسوم در دوره سطح طی مراحل زیر انجام می‌شود:

- ۱- روخوانی درس با رعایت کامل قواعد ادبیات که گاهی قسمتی از آن به شاگردان واگذار می‌شود.
- ۲- بیان مطالب درس به صورت دسته‌بندی شده که قبل از شروع به خواندن و توضیح مطالب کتاب صورت می‌گیرد و به آن خارج درس (نه درس خارج) می‌گویند. بیان مطالب خارج از کتاب (حواشی و شرحها یا نظرهای استادان دیگر) در ضمن این مرحله انجام می‌گیرد، ولی بعضی از اساتید برای جلوگیری از مشوش شدن ذهن طلاب آن را جداگانه در پایان درس ذکر می‌کنند (حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، صص ۷۵-۸۳).
- ۳- تطبیق مطالب گفته شده یا خارج درس با متن کتاب مورد تدریس که به صورت جمله به جمله صورت می‌گیرد.

- ۴- پاسخگویی به سوالات شاگردان: از آنجا که در نظام حوزه اهمیت بسیار زیادی برای سوالات طلاب قایل می‌شوند، استاد در زمانهای مختلف پاسخگوی سوالات طلاب است. یک مرحله پاسخگویی، قبل از درس است که استاد کمی زودتر از شروع آن حاضر می‌شود و سوالات مربوط به درس قبل را پاسخ می‌دهد. همچنین پاسخگویی به سوالات میتواند در حین درس انجام شود. از آنجا که اصرار بر سوال صحیح نیست، اگر کسی در درس قانع نشد، میتواند بعد از درس دوباره سوال خود را مطرح سازد و با استاد به گفتگو بپردازد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۸).

همانطور که گفته شد، دوره خارج در حوزه‌های علمیه با این هدف به وجود آمده است که طلاب را با روش اجتهاد و استنباط احکام آشنا کند. طلبه نیز با این فکر وارد درس خارج می‌شود که هر چه زودتر در اصول و فقه صاحب نظر شود. روش تدریس در این مرحله، این گونه است که استاد یک مساله فقهی را در درس مطرح می‌کند و به صورت استدلالی و با کمال دقت، دلایل و اقوال را مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت نظر خود را بیان می‌کند. چنانچه محصل دلایل استفاده شده توسط استاد را کافی دانست، آن بحث را تمام شده تلقی می‌کند، اما اگر با رای استاد مخالف بود و پس از بحث و بررسی مجدد با استاد به نتیجه مطلوبی نرسیده، با مد نظر قرار دادن دلایل مخالفت، نظر

خود را انتخاب می‌کند و احکام و مسایل فقهی را استنباط می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۶، صص ۱۵۰-۱۵۹).

نتیجه اینکه شیوه تدریس در حوزه، بویژه در دوره سطح و خارج، ترکیبی از فراگیر محوری و معلم محوری است. در این نظام آموزشی ضمن سفارش به طلاب بر مطالعه عمیق و مباحثه فعال و امکان طرح سوالهای متعدد توسط طلاب، استاد نیز وظیفه تشریح مطالب درس، بویژه موضوعات پیچیده را بر عهده دارد.

نقاط قوت و امتیازات نظام آموزشی حوزه

۱- انعطاف پذیر بودن برنامه آموزشی و آزادی طلاب در انتخاب درس، استاد و کلاس درس: وجود

این آزادیها، این امکان را فراهم می‌سازد تا طلبه، سرعت تحصیل خود را با تواناییهای خویش هماهنگ سازد. به عبارت دیگر، در این سیستم تفاوت‌های فردی طلاب کاملاً مراعات می‌شود. البته این امکان بیشتر برای طلابی که به صورت آزاد و یا در مقطع خارج تحصیل می‌کنند فراهم است، و افرادی که تحت نظام رسمی حوزه بویژه در دوره مقدمات تحصیل می‌کنند، باید تابع برنامه تنظیمی محل تحصیل خود باشند.

۲- طرح سوال و اشکال در کلاس درس و مباحثه طلاب: این عمل موجب تثبیت مطالب در ذهن می‌شود.

از جنبه‌های مثبت طرح سوال و اشکال میتوان این موارد را ذکر کرد: الف: حل مبهمات درس و مطالب علمی؛ ب: روشن شدن خطاهای ذهنی شاگرد و استاد؛ ج: رویارویی و تلاقی افکار و اندیشه‌ها که موجب رشد علمی می‌گردد؛ د: شکوفا شدن استعداد نهفته افراد و جوشش ذهنی آنان و هـ: حساس شدن افراد به مطالب علمی که بدون دلیل چیزی را نپذیرند (پیام حوزه، ۱۳۷۴، ص ۵۴).

۳- اهمیت دادن به جنبه‌های اخلاقی و تهذیب نفس و تاکید ورزیدن بر آن: وجود رابطه عمیق و

عاطفی بین استاد و شاگرد و معاشرت نزدیک و مداوم طلاب با اساتید، فراتر از حضور در جلسات درس است و این مهم باعث می‌شود تا مشاهده زهد و پارسایی و بی زرق و برق طلبگی، تهجد و توکل و بالاخره حسن خلق و مردم داری آنان، تاثیری شگرف در تهذیب و پرورش طلاب ایجاد کند و بیش از پرورش علمی در تطهیر روحی و اخلاقی آنان تاثیر گذار باشند (زادهوش، ۱۳۷۹، ص ۲۰۰).

۴- خواندن درسها به صورت عمیق و مستدل و تکیه کردن بر فکر و استدلال: این عمل باعث می‌شود تا

شاگرد بیندیشد و نظری را اختیار کند و یادگیری او توأم با فهم و تعقل گردد. همچنین، دقت در عبارات مشکل بعضی کتب مانند کفایه الاصول موجب تقویت توان علمی و فهم طلاب می‌شود.

۵- وجود بحث و مناظره و روحیه نقادی بین استاد و شاگرد: این عمل با رعایت احترام استاد سبب

پیدایش قدرت بحث و استدلال و حل مسایل در طلاب می‌شود.

۶- امکان تدریس همراه تحصیل: پس از گذراندن مقدمات، این امکان به طلاب مستعد و توانا داده می‌شود

تا ضمن تحصیل، به تدریس دروس مقدمات پردازند. این شیوه، ضمن رفع نیاز به استاد، موجب می‌شود تا افراد توانا بتدریج به تدریس پردازند و استادانی زبر دست شوند.

۷- تعیین متن توسط استاد قبل از تدریس: این کار بخصوص در درسهای پرجمعیت مفید به نظر می‌رسد، زیرا لازم نیست طلاب هنگام حضور در جلسه درس مشغول نوشته باشند، بلکه با مطالعه قبلی متن، میتوانند بیشتر به مطالب استاد توجه داشته باشند.

نقاط ضعف و کاستیهای نظام آموزشی حوزه

۱- استفاده از اساتیدی که دوره تربیت مدرس را برای رشته مورد تدریس نگذرانیده‌اند: برای رفع این مشکل اقداماتی برای استفاده از فارغ‌التحصیلان دوره‌های تخصصی حوزه علمیه برای تدریس دروس متناسب در حال شکل‌گیری است (شورای عالی و مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۷۹؛ مصوبه ۱۶۱). اگر چه اینگونه اقدامات مفید است ولی به علت محدودیت، جوابگو نیست. از طرف دیگر، مشخص نیست این افراد تا چه حد اصول و مهارتهای تدریس را فراگرفته‌اند تا بتوانند مدرسان موفق باشند. این نقیصه موجب می‌شود که گاهی استاد با عدم موفقیت در تدریس روبه‌رو شود و نتواند شاگردان را جذب کند (پیام حوزه، ۱۳۷۶، ص ۲۹).

۲- عدم نگرش جامع به دانشها و مهارتهای گوناگون و نیازهای اجتماعی عصر حاضر در برنامه آموزشی حوزه: در این راستا میتوان عدم الزام طلاب برای انجام کارهای تحقیقاتی در دوران آموزش را نام برد. این موضوع موجب ضعف علمی و ادبی آنان و در نهایت از دست دادن توان تحقیقاتی حوزه می‌گردد. اگرچه این ضعف تا حدودی در دوره‌های تخصصی بر طرف شده و وجود مراکز متعدد پژوهشی، بویژه در قم طلاب علاقه‌مند را به پژوهش در زمینه‌های مختلف سوق می‌دهد لکن بنظر می‌رسد که پژوهش در نظام آموزش حوزه طراحی نشده و جایگاه ویژه‌ای ندارد. همچنین عدم توجه به تاریخ علمی مانند فقه و اصول که در واقع عدم آگاهی از تحولات و فراز و نشیبهای گذشته آن علم است. این بی‌اطلاعی باعث می‌شود که گاهی همان اشتباهات گذشته تکرار شود و طلاب نتوانند با سرعت به قله پیشرفت در آن علم صعود کنند. ارایه ندادن تمرینهای مناسب در چگونگی استفاده از قواعد دروسی مانند صرف و نحو و علم اصول نیز یکی دیگر از نقصیه‌هاست (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۸).

۳- طولانی بودن دوره تحصیل: این شیوه موجب خسته شدن بعضی از طلاب و دلسردی آنان می‌گردد. به همین دلیل، بعضی از طلاب با انگیزه و علاقه‌مند به تداوم تحصیل و انجام کار، جذب مراکز دیگر می‌شوند.

۴- عدم استفاده کامل و صحیح از تکنولوژی و وسایل کمک آموزشی: بیشتر از وسایل کمک آموزشی برای تدریس در حوزه بخصوص در دوره سطح استفاده نمی‌شود، در حالی که اگر از وسایل سمعی و بصری مثل تابلو، فیلم و اسلاید، نمودارهای مناسب و غیره برای فهم مطالب استفاده شود، آموزش در زمان کمتر و با کیفیت بهتری انجام می‌گیرد.

۵- عدم توجه کافی به مکالمه عربی و ادبیات معاصر عرب: وجود این اشکال در نظام آموزشی حوزه باعث شده که کتابهای عربی تالیف شده به وسیله علمای شیعه برای عرب زبانان جذابیت چندانی نداشته باشد و حتی در مواردی برای آنها قابل فهم نباشد.

۶- عدم رعایت کامل مقررات آموزشی: کلاسهای درس از لحاظ تعداد افراد در حد معتدل و متعارف نیست. برخی اوقات اگر کیفیت درس استاد عالی باشد، شمار طلاب به هزار نفر یا بیشتر نیز می‌رسد و این افراط و تفریط، در یادگیری و یاددهی تاثیر منفی می‌گذارد. در این موارد عدم اطلاع استاد از حضور و غیاب طلاب در کلاس درس، موجب مبهم ماندن بعضی از مطالب درسی برای طلاب می‌شود. این مشکل بیشتر در مرحله تخصصی و اجتهاد چشمگیر است، مقررات آموزشی موجود دوره عمومی و پایه تخصصی، بویژه برای افرادی که تحت برنامه تحصیل می‌کنند مانع بوجود آمدن اینگونه بی‌نظمی‌ها می‌شود (شورای عالی و مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۷۹؛ مصوبه ۳۸۳).

۷- عدم استفاده کامل از توان موجود حوزه: تشکیلات فعلی حوزه توان بهره‌وری و جذب تمام استعداد های افراد را ندارد و از نیروها و استعداد های فراوان خود، استفاده بهینه نمی‌نماید. به عبارت دیگر، یک نظام تشکیلاتی منسجم برای ارزیابی کمیت و کیفیت افراد موجود در حوزه وجود ندارد. شایان ذکر است که به تازگی فعالیتهایی در این زمینه از سوی کمیته علمی شورای عالی حوزه علمیه قم شروع شده است.

۸- عدم دسترسی و آشنایی کامل با ابزار تحقیق: کمبود همایشها و سمینارهای تخصصی و استفاده بهینه و کافی نکردن از ابزارهای نوین تحقیق، از موارد این کمبود است. از جمله نتایج این کمبودها، عدم آرایه نظرات کافی درباره ناهنجاریهای اخلاقی موجود در جامعه و دور ماندن از اولویتها و اهداف اصلی در تبلیغ دین مبین اسلام است. البته عملکرد بعضی از حوزه‌ها مانند حوزه علمیه قم با دیگر حوزه‌ها متفاوت است. در سالهای اخیر، برگزاری همایشهای علمی و مراکز پژوهشی در حوزه علمیه قم مرسوم شده است. این حوزه و حوزه علمیه اصفهان در زمینه راه اندازی مراکز تحقیقات رایانه‌ای نیز فعال بوده و حتی به تولید نرم افزارهای متعدد مربوط به علوم دینی نیز مبادرت ورزیده‌اند.

۹- وجود تعطیلات زیاد: در نظام آموزشی حوزه و عدم تناسب تعطیلات با سطوح مختلف آموزشی.

۱۰- مناسب نبودن متون درسی: متون درسی حوزه، اشکالها و نارساییهای بسیار دارد که با توجه به اهمیت فراوان آن، توضیحات بیشتری در مورد آن داده می‌شود. مهمترین ایرادهای متون درسی حوزه به شرح زیر است:

- دیرینگی و قدمت زیاد: بیشتر کتابهای درسی حوزه در حدود یک قرن پیش و یا بیشتر نگارش یافته‌اند. این امر، حوزه را در برابر پاسخگویی به مسایل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روز تا حدودی ناتوان کرده است. به گفته عالم و صاحب نظر لبنانی، علامه سید محمد حسین فضل الله دانشگاههای جهان هر ده سال، کتابها و محتویات آنها را بر طبق نیاز روز تغییر می‌دهند. تنها بدین وسیله است که حوزه نیز میتواند خود را با پیشرفتهای جهانی همگام کرده و اندیشمندانی خوب تربیت نماید (به نقل از ذاکری، ۱۳۷۵، ص ۶۲). البته قدمت منابع نباید موجب طرد آنها بشود زیرا قدمت الزاما دلیل ناقص بودن نیست. چه بسا منابعی وجود دارد که میتواند سالیان درازی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، هدف باید رفع نقایص باشد نه از بین بردن متون قدیمی.

- غیر آموزشی بودن: کتابهای درسی حوزه برای آموزش نگاشته نشده است، بلکه تنها در برگیرنده نظرات و آرای نویسندگان آنهاست. نویسندگان کتابهای رایج در حوزه برای تدریس کتاب خود، گروه خاصی از دانش پژوهان را در نظر نداشته‌اند که براساس فهم و درک و بدور از عبارات پیچیده و مباحث غیر ضروری نوشته خویش را آرایه دهند (ذاکری، ۱۳۷۴، ص ۶۹).

● در بر نداشتن آرای نو: کتابهای درسی حوزه به خاطر قدمت زیاد و ویژه برهه‌ای خاص از زمان بودن و عدم تجدید نظر در آنها، نظرات عالمان و صاحب‌نظران جدید را در بر ندارد. این کاستیها در کتابهای فقهی و اصولی نمایان تر است (حوزه، ۱۳۷۶، ص ۵۵)

● بازدهی اندک و وقت گیری بسیار: اگر هر یک از کتابهای درسی بدقت بررسی شود، معلوم می‌شود طلبه را در جایگاهی قرار نمی‌دهد که انتظار آن می‌رود، در حالی که وقت بسیاری از او به خاطر مطالعه مطالب زاید و ناکار آمد گرفته می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۵). نگارش نامناسب، عدم فهرستهای عنوان و موضوعی، نامناسب بودن قطع کتاب، حروف و رنگ آمیزی آن از جمله دیگر اشکالات کتابهای درسی حوزه است (حوزه، ۱۳۶۵، ص ۶).
شایان ذکر است که خوشبختانه در سالهای اخیر، بنا بر تاکید مقام معظم رهبری مبنی بر اصلاح کتب آموزشی حوزه، کمیته علمی شورای عالی حوزه علمیه قم قدمهایی را برای اصلاح و کارآمد نمودن کتب درسی حوزه برداشته است و این روند همچنان ادامه دارد.

مراحل و نحوه تحصیل در دانشگاه

در دانشگاه سه مقطع آموزشی مشخص و متمایز ولی وابسته به هم و تکمیل کننده یکدیگر وجود دارد. این سه مقطع، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری است که برای ورود به هر یک، آزمون ورودی لازم است. دوره کارشناسی چهار سال، کارشناسی ارشد ۲ و تا ۳ سال و دکتری ۳ تا ۶ سال به طول می‌انجامد. نظام آموزشی در دانشگاهها به صورت ترمی (نیمسال) واحدی است، یعنی دانشجویان در سال تحصیلی در دو نیمسال جداگانه درس می‌خوانند. دانشجویان تعداد معینی از دروس را که به صورت واحد ارایه می‌شود میتوانند انتخاب کنند. آنها همچنین باید دروس پیش نیاز را که از طرف دانشگاه و بر حسب نیاز دانشجویان ارایه می‌شود قبل از دروس پیچیده‌تر، بگذرانند.

دانشگاه دارای یک سری مقررات آموزشی است که دانشجویان باید آن را رعایت نمایند. از جمله این که در دانشگاههای دولتی اگر دانشجو در ۴ جلسه از ۱۷ جلسه درس بدون عذر موجه غیبت نماید، استاد درس میتواند نمره صفر در آن درس برای دانشجو منظور کند. اگر دانشجو برای غیبت خود عذر موجه داشته باشد، باید مدارک خود را به دانشگاه و گروه آموزشی مربوطه ارایه نماید و مورد تایید آنها قرار گیرد.

در دانشگاههای پیام نور که به آن دانشگاه آموزش از راه دور نیز گفته می‌شود، حضور و غیاب دانشجویان الزامی نیست. حتی در بعضی دروس، حاضر شدن در امتحانات میان ترم نیز الزامی نیست و ملاک نمره دانشجو، نمره پایان نیمسال است. سوالات امتحانی دانشگاه پیام نور در تهران تهیه می‌شود و به دانشگاههای پیام نور شهرستانها فرستاده می‌شود. در دانشگاهها دانشجو موظف است تقویم نظام آموزشی دانشگاه محل تحصیل خود را که در هر نیمسال ارایه می‌شود. و در آن، زمان شروع کلاسها، امتحانات و تعطیلات نیمسال مشخص شده را رعایت کند. در تقویم نظام آموزشی دانشگاهها، روزهای خاصی برای حذف و اضافه اولیه و حذف و اضافه نهایی واحدهای درسی مشخص شده است. دانشجو میتواند اگر دروسی در برنامه انتخابی نیمسال او با دروس دیگر تداخل داشته باشد و یا احساس کند که درس (یادروسی) را که ابتدا انتخاب نموده است به علت مشکلاتی نمیتواند بگذراند، پس از مشورت با استاد مشاور یا

گروه آموزشی میتواند نسبت به حذف آن (آنها) اقدام نماید یا درس یا دروسی را در برنامه خود اضافه نماید. (استاد مشاور ، فردی است که دانشجو را در چگونگی انتخاب واحد و دروس پیش نیاز و بنحو کلی برنامه تحصیلی وی راهنمایی می نماید تا دانشجو مشکلی را در طول نیمسال تحصیلی نداشته باشد). از دیگر مقررات نظام آموزشی دانشگاهها این است که در صورتی که معدل نیمسال قبل دانشجویی بالاتر از ۱۷ شود، وی میتواند بیش از ۲۰ واحد و حداکثر ۲۴ واحد را در یک نیمسال تحصیلی انتخاب کند.

شیوه تدریس در دانشگاه

شیوه تدریس در دانشگاهها بیشتر به نوع درس و به تدبیر اساتید دروس بستگی دارد. آنان در این باره تا حدود زیادی آزادی عمل دارند. روش تدریس در دانشگاهها عمدتاً به صورت سخنرانی است که معمولاً استاد مطالب را برای دانشجویان بیان می کند و دانشجویان نکات اساسی آن را یادداشت می کنند. گاهی روند یادگیری - یاددهی یک سویه و از طرف استاد است و دانشجویان کمتر در جریان یادگیری مشارکت می کنند. البته در جریان تدریس یا پس از آن روش پرسش و پاسخ و یا روشهای دیگر برای رفع اشکالات دانشجویان و یا انجام تمرین به کار برده می شود. به نظر می رسد در کلاسهای دانشگاهی تنوع در روشهای تدریس کم است، زیرا اساتید بیشتر روشهای توضیحی مانند سخنرانی را بر می گزینند و کمتر از روشهای اکتشافی مانند پرسش و پاسخ ، مباحثه به صورت گروههای کوچک و پروژه ای استفاده می کنند.

یکی از تکالیف دانشجویان در درسها این است که برای دروس در موضوعات مشخصی مقاله بنویسند و یا تحقیقاتی را انجام دهند و یافته های خود را به صورت کنفرانس در کلاس درس ارائه دهند. استاد نیز مقداری از نمره درس را به این امر اختصاص می دهد. این تکالیف، فعالیت، تحریک و انگیزه دانشجو را به تحقیق و یادگیری مطالب بیشتر ، افزایش می دهد و در روش تدریس تنوع ایجاد می نماید.

در پایان نیمسال، اساتید دروس مربوط باید از آموخته های دانشجویان خود ارزشیابی به عمل آورند و آزمون برگزار نمایند. البته گاهی در وسط ترم، یک امتحان برگزار می شود که حدود نصف نمره را در بردارد. اساتید در مورد چگونگی نوع سوالات امتحانی آزادی عمل دارند و بر اساس تشخیص خود میتوانند از سوالات بسته پاسخ مانند چند گزینه ای ، جور کردنی و صحیح و غلط و یا سوالات باز پاسخ مانند سوالات تشریحی، و یا ترکیبی از آنها استفاده نمایند. پس از تصحیح اوراق امتحانی، نمره درس توسط استاد مربوط به گروه آموزشی گزارش می شود و گروه آموزشی پس از بررسی اعتراضات احتمالی دانشجویان و اعلام نمره نهایی به وسیله استاد، نمره آنان را در کارنامه تحصیلی درج می نماید. پس از پایان نیمسال اول سال تحصیلی بر طبق تقویم زمانبندی دانشگاه، دانشجویان دو هفته استراحت خواهند داشت و آنگاه نیمسال دوم شروع می شود که دانشجویان پس از ثبت نام و انتخاب واحد در کلاسهای درس حضور می یابند.

دانشجویان در انتخاب استاد آزاد نبوده و هر استادی را که دانشکده معین کند، باید بپذیرند و از برنامه آموزشی تنظیم شده از سوی دانشگاه و دانشکده نیز تبعیت نمایند. شایان ذکر است که اگر تعداد دانشجویان زیاد باشد، گروه

آموزشی یک درس را در دو یا چند کلاس به صورت جداگانه و در ساعتهای مختلف تشکیل می‌دهد و ممکن است استاد آنها نیز متفاوت باشد. در این صورت، دانشجویان میتوانند از میان استادهای معرفی شده یک نفر را انتخاب نمایند که البته انتخاب محدودی است. در خصوص محتوای دروس دانشگاهها، استادان میتوانند برای تدریس دروس خود منابعی چون کتاب، مقاله و جزوه را انتخاب کنند، ولی باید سر فصل ارایه شده دروس توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را رعایت نمایند. قابل ذکر است که در سال ۱۳۷۹ اقداماتی برای واگذاری اختیار تدوین سرفصلها و محتوای دروس به دانشگاههای اصلی و مهم کشور داده شده است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری).

تحقیق و پژوهش در دانشگاهها نسبت به حوزه‌ها وضعیت بهتری دارد. در دانشگاهها معاونتی به نام معاونت پژوهشی وجود دارد که هر ساله اولویتهای تحقیقاتی را در اختیار دانشجویان علاقه مند قرار می‌دهد و با عقد قراردادهای مالی و کمکهای اطلاعاتی و مشورتی بخصوص به پایان نامه های دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکتری از دانشجویان حمایت لازم را می‌نماید. بنحو کلی، دانشگاه در راستای ارتقای تحقیق و پژوهش و ابتکارات علمی و فنی تلاش و کوشش می‌نماید.

تحصیل دانشجویان دانشگاههای دولتی به صورت رایگان است و اداره رفاه دانشجویان امکانات رفاهی از قبیل خوابگاه و تغذیه و وسیله نقلیه مانند اتوبوس در اختیار آنان قرار می‌دهد ولی دانشجویان پس از فارغ التحصیل شدن باید بتدریج مقداری از هزینه امکانات رفاهی را بپردازند. دانشجویان دانشگاههای آزاد اسلامی، پیام نور و سایر دانشگاههای غیر دولتی باید هزینه تحصیل خود را بپردازند. بعلاوه، این دانشگاهها تعهد الزام آوری را در قبال فراهم نمودن امکانات رفاهی برای دانشجویان ندارند.

نقاط قوت و امتیازات دانشگاه

۱- اهمیت دادن به تحقیق و پژوهش: وجود و گسترش تحقیق و پژوهش در دانشگاه امکان حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی کشور را میسر می‌سازد همچنین تشویق دانشجویان به تحقیق و ارایه مقالات علمی و پژوهشی موجب تقویت توان تحقیقاتی دانشجویان، اساتید و دانشگاه می‌گردد.

۲- استفاده از کتابهای درسی جدید و سازماندهی مناسب آنها: کتابهای درسی دانشگاه بیشتر در برگرفته نظرات و آرای جدید دانشمندان و اکتشافات عصر حاضر است و از کتابهای کهن و قدیمی کمتر استفاده می‌شود. همچنین کتابها و جزوه های آموزشی به گونه ای سازماندهی می‌شوند که هر یک کامل کننده دیگری باشد. در بیشتر کتابهای درسی دانشگاه، ویژگیهای لازم کتاب درسی مانند نثر سلیس و روان، شیوه نگارش مناسب و دسته بندی خوب مطالب رعایت شده است.

۳- وجود دروس پیش نیاز: گذراندن دروس پیش نیاز توسط دانشجویان موجب تقویت توان علمی آنان می‌گردد، بنحوی که با آمادگی مناسب شروع به خواندن درسهای مشکلتر می‌کنند. ضوابط دانشگاه به گونه‌ای است که اگر دانشجویی یک درس مقدماتی را نتواند با موفقیت به اتمام برساند، اجازه شرکت در دروس بعدی به او داده نمی‌شود. در سالهای اخیر تا حدودی این مورد در بعضی از حوزه‌ها نیز مراعات می‌گردد.

- ۴- وجود تقویم آموزشی مناسب: وجود تقویم آموزشی دقیق و قوانین و مقررات آموزشی و رعایت آن توسط دانشجویان، موجب برقراری نظم در دانشگاه و عدم اتلاف وقت دانشجویان می‌گردد.
- ۵- وجود رشته‌های تخصصی مختلف: وجود رشته‌های تخصصی گوناگون منجر به تربیت افراد متخصص برای رفع نیازهای گوناگون جامعه می‌گردد.
- ۶- ترغیب نمودن دانشجویان به تبادل افکار با دیگران: محیط دانشگاه، برخورد منطقی با افکار و اندیشه‌های تازه، داشتن روحیه انتقادی، اعتماد به نفس و ابتکار فردی و توانایی در ایجاد ارتباط و تبادل افکار با دیگران را تشویق و ترغیب می‌کند.
- ۷- وجود سیستم ارزیابی علمی: وجود سیستم رده بندی و رتبه گذاری علمی دانشجویان و حتی اساتید موجب تقویت انگیزه‌های آنان برای تحصیل، پژوهش و تدریس موفقیت آمیز می‌گردد.

نقاط ضعف نظام آموزشی دانشگاه

- ۱- گسترش مدرک گرایی و افزایش انگیزه کسب منافع مادی؛
- ۲- انعطاف پذیری کم در برنامه‌ها و مقررات آموزشی؛
- ۳- در نظر نگرفتن آمادگی، تجربیات قبلی و تفاوت‌های فردی دانشجویان در انتخاب دروس؛
- ۴- عدم وجود روشهای مفید مباحثه‌ای و ژرف‌نگری کافی در تدریس دروس دانشگاهی بسیاری از دانشجویان بویژه در بعضی از رشته‌ها در حین شرکت در کلاسها، بنحو جدی کتابهای درسی را مطالعه نمی‌کنند و فقط ایام امتحانات درس می‌خوانند.
- ۵- عدم برنامه منسجم و کافی برای گسترش ارزشهای معنوی و تربیت اخلاقی دانشجویان؛
- ۶- آزادی کم دانشجو در انتخاب استاد، درس و کتب درسی،
- ۷- عدم روابط صمیمی و نزدیک بین استاد و دانشجو: البته اگر استادانی شخصاً علاقه‌مند یا معتقد به تقویت اینگونه روابط باشند، امکان آن وجود دارد.
- ۸- عدم موازنه حجم درسها با زمان در اختیار: در پاره‌ای از رشته‌ها، حجم متراکم مواد درسی، فرصت مطالعه دقیق را در همه زوایا و ابعاد به دانشجویان نمی‌دهد. برنامه‌ریزان گمان می‌کنند که با تراکم متون میتوانند دانشجو را به تحصیل و دانش اندوزی وا دارند و از این نکته غفلت دارند که تدریس حجم متراکم مطالب درسی موجب کم شدن تعقل و اندیشه می‌شود و اتکا به حافظه جایگزین آن می‌گردد. نکته دیگر آنکه افزایش حجم مطالب درسی گریز نسبی از سایر مسایل لازم را پدید می‌آورد و دانشجویان تک بعدی رشد می‌یابند (حوزه، ۱۳۶۸، ص ۲۲).

مقایسه نظام آموزشی حوزه و دانشگاه

در این قسمت برخی از ویژگیهای نظام آموزشی حوزه و دانشگاه مورد مقایسه قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که در این مقاله آموزش و تدریس بررسی شده و سایر ویژگیها و تفاوت‌های این دو نظام مد نظر قرار نگرفته است و

همانگونه که قبلا اشاره شد مرحله سطح یک به بالا در نظام آموزش حوزه با برخی از رشته‌های دانشگاه قابل مقایسه است.

حوزه	دانشگاه
۱- برنامه‌های آموزشی انعطاف پذیر و از قبل بنحو دقیق تعیین نشده‌اند	۱- برنامه آموزشی تقریبا یکسانی به دانشجویان داده می‌شود که همه باید طی کنند.
۲- برای طلاب هدف از گذراندن تمام دروس مشخص و معین است	۲- در بعضی از موارد هدف از آموزش یک درس برای استاد و دانشجویان روشن نیست و انگیزه‌ای برای مطالعه عمیق آن وجود ندارد.
۳- ارتباط دروس با هم هدفدار و تا حدی منطقی است.	۳- همه دروس با هم ارتباط منطقی و هدفدار ندارند، که این موضوع باعث بی‌علاقگی و عدم انگیزه در دانشجو می‌گردد.
۴- طلاب نقش فعالی در یادگیری دارند و یادگیری آنها توأم با درک و تعقل است	۴- دانشجویان عمدتا نقش فعالی در یادگیری ندارند و آماده پذیرش و حفظ مطالب برای امتحان هستند
۵- محدود بودن تعداد دروس باعث ژرف نگری و یادگیری عمیقی می‌گردد	۵- تعداد زیاد دروس در دانشگاه باعث سطحی خواندن و فراموشی زودرس می‌گردد
۶- آمادگی، تجربیات و تفاوت‌های فردی طلاب برای انتخاب دروس تا حدودی در نظر گرفته می‌شود	۶- توجه جدی به تجربیات قبلی و تواناییهای دانشجو در انتخاب دروس نمی‌شود
۷- یادگیری مفاهیم درسی قبل از شروع کلاس، با پیش مطالعه و پیش مباحثه آغاز می‌گردد.	۷- یادگیری مفاهیم درسی عمدتا در کلاس و با حضور استاد انجام می‌شود.
۸- نحوه نشستن طلاب در کلاس درس معمولا به صورت دایره وار و بدون استفاده میز و صندلی است.	۸- نحوه نشستن دانشجویان در کلاس درس معمولا به صورت ردیفی و منظم و با استفاده از میز و صندلی است.
۹- کتب درسی معمولا شامل آراء و نظریات قدیمی است که بعضی از آنها یکدیگر را نقد و رد می‌کنند و سبک و نگارش آنها نیز قدیمی است	۹- ضمن استفاده ضروری از منابع قدیمی، معمولا از کتابهای جدید استفاده می‌شود که سبک و چاپ نگارش آنها نیز جدید است.
۱۰- روش تدریس عمدتا مباحثه‌ای و پرسش و پاسخ است	۱۰- روش تدریس عمدتا سخنرانی است
۱۱- انگیزه تحصیل طلاب بیشتر، کسب علم و معنویت برای ارشاد و هدایت مردم است	۱۲- انگیزه تحصیل دانشجویان بیشتر کسب دانش توأم با مدرک برای کسب منافع مادی است.
۱۳- رشته‌های مختلف و متنوع علمی فراوانی وجود ندارد و علوم تخصصی نشده‌اند	۱۳- رشته‌های مختلف و گرایشهای علمی زیادی وجود دارد و علوم تخصصی شده‌اند
۱۴- فقط از طریق مرکز مدیریت حوزه علمیه قم طلاب میتوانند از مرکزی به مرکز دیگر در بعضی مراحل منتقل شوند	۱۴- ساختار آموزشی در دانشگاه یکسان است و افراد میتوانند با رعایت ضوابط مربوط، از یک دانشگاه به دانشگاه دیگر منتقل شوند
۱۵- شهریه طلاب از سهم امام و امور خیریه تامین می‌شود	۱۵- حقوق و کمک هزینه دانشجو از درآمد ملی و دولت تامین می‌گردد
۱۶- وجود دو سیستم آموزش آزاد و تحت برنامه	۱۶- وجود سیستم یکپارچه و واحد در همه مراحل
۱۷- عدم جدیت در مقررات آموزشی در سیستم تحصیلی آزاد حوزه و بطول انجامیدن دوران تحصیل	۱۷- جدی بودن مقررات تحصیلی نظیر محدود کردن تعداد دروس دانشجویان ضعیف مشروط نمودن و حتی اخراج آنان

پیشنادهایی برای اصلاح نظام آموزشی حوزه و دانشگاه

در این قسمت برای اصلاح نظام آموزشی حوزه و دانشگاه پیشنهادهایی آورده می‌شود. ابتدا پیشنهادهای مربوط به حوزه و پس از آن پیشنهادهایی مربوط به دانشگاه ذکر می‌گردد.

الف: حوزه

۱- یکی از پیشنهادهای اساسی، حرکت فراگیر به سمت تخصصی شدن است. برای تخصصی شدن علوم در حوزه، باید عده‌ای را به فراگیری فقه ترغیب نمود و بقیه را پس از گذراندن دوره مقدماتی و سطح یک، به فراگیری معارف و علوم دیگر مانند تفسیر، فلسفه و علوم اجتماعی هدایت کرد. البته این کارسادگی امکان‌پذیر نیست و تا تغییرات لازم در ساختار فعلی حوزه به وجود نیاید، تغییر همه جانبه در آموزش و تخصصی شدن ممکن نیست. برای مثال، در ساختار فعلی حوزه این نگرش وجود دارد که هر کس ۱۵ تا ۱۸ سال درس خارج فقه و اصول نخواند، فاضل و عالم به حساب نمی‌آید. تخصصی شدن حوزه مورد نظر مقام معظم رهبری نیز بوده است. ایشان یکی از راههای علاج نارساییهای حوزه را تخصصی شدن رشته‌ها و تقسیم تدریجی طلاب در رشته‌های مختلف دانسته‌اند (منشور ولایت، ۱۳۷۴، ص ۳۵).

از نظر آقای حکیمی اصلاح حوزه به دو صورت سریع و عمیق ممکن است: اصلاح سریع، طرحی ضربتی است که بتوان هر چه زودتر به امور حوزه سر و سامان داد و اصلاح عمیق طرحی بنیادی است که همه تشکیلات حوزه باید مورد نقد و اصلاح قرار گیرد و بتون روحانیتی آنچنان که شایسته نظام اسلامی است تربیت نمود (۱۳۶۱، ص ۱۰۲). خوشبختانه بتازگی کمیته علمی شورای عالی حوزه علمیه قم گامهایی برای تخصصی شدن بعضی از رشته‌ها و اصلاح ساختار آموزشی حوزه برداشته است. اگرچه برنامه‌های انجام شده مناسب است، لکن کافی نیست و این روند باید ادامه داشته باشد. از نظر حضرت امام خمینی(ره) کسی میتواند شروع به اصلاح نظام آموزشی حوزه نماید که خود متخصص در علوم حوزوی، علاقه‌مند به دیانت و روحانیت و دارای نیت پاک و عقل و تدبیر درست باشد (حوزه، ۱۳۷۰، ص ۸۲).

حضرت امام خمینی(ره) در خصوص اصلاح حوزه‌ها به موارد نظم و ترتیب در حوزه‌ها، تنوع دروس، تبلیغات صحیح و تقویت فقه جواهری تاکید داشتند، بنحوی که در یکی از سخنان خود فرموده‌اند: «در قدیم حوزه‌ها محصور شده بود در چهار دیواری که کسی نمیتوانست از آن بیرون بیاید. اگر طلبه‌ای در فکر نظم و تشکیلات بود، مورد طعن قرار می‌گرفت، ولی امروز وضع فرق کرده است... باید حوزه‌ها وقت وافرشان را صرف فقه، اصول، فلسفه و مباحثه کنند» (صحیفه نور، ج ۱۰۸، ص ۷۹) شایان ذکر است که تقویت فقه جواهری که حضرت امام(ره) بر آن تاکید می‌نمودند، نه به معنای پیروی از اسلوب و موضوعات فقه دو یا سه قرن قبل، بلکه باید با حفظ چارچوب فقه سنتی و استحکام اجتهاد، مباحث و روشهای متناسب با شرایط امروز را مطرح و به مشکلات مردم پاسخ گفت.

۲- حوزه برای عمل به رسالت الهی و انسانی خویش و پاسخگویی به نیازهای مردم، اولین گامی که باید بردارد، تغییر اسلوب و روش آموزش و از آن مهمتر دگرگونی در متون درسی کهنسال حوزه است. این همان ابزار و وسایلی است که همیشه باید در حال دگرگونی باشد و با شرایط زمان، محیط و مخاطبان هماهنگی لازم داشته باشد. حوزه فعلی

به خاطر روش و اسلوب سنتی و متنهای درسی ناپیوسته و ناهماهنگ یا مقتضیات روز، از پویایی لازم آنگونه که شایسته میراث علمی اهل بیت و وجود استعدادهای درخشان در حوزه می‌باشد، برخوردار نیست. چهره‌های برجسته حوزه، برجستگی خویش را بنا به اعتراف خود فقط با خواندن کتابهای درسی حوزه به دست نیاورده‌اند. شهید مطهری درباره این مشکل می‌گوید: در حوزه‌های علوم دینی، ادبیات عرب خوانده می‌شود، اما با متد غلط. نتیجتاً طلاب پس از سالها تحصیل نمیتوانند به عربی تکلم کنند و مقاله بنویسند (به نقل از حوزه، آبان ۱۳۶۶، ص ۴۸).

تهیه متونی که طلاب را با زبان عربی آشنا کند، به گونه‌ای که توان نوشتن مقاله را داشته باشند، امری است که حوزه باید به آن اهتمام ورزد. امروز جا دارد که حوزه‌های علمیه قواعد درست اندیشیدن و روش تحقیق علمی را با تجدید نظر در نوشته‌ها و آرای گذشتگان به طلاب بیاموزند.

۳- کتابهای درسی حوزه برای آموزش و تدریس نوشته نشده است، بلکه در بردارنده آرا و نظرات نویسندگان آنها است و دارای عبارات پیچیده و مباحث غیر ضروری و غیر کار آمد است، لذا باید مورد نقد و بررسی دقیق قرار گرفته و با توجه به نظرات نوین در هر موضوع علمی تدوین شود تا پویایی و جذابیت خود را داشته باشد. بنابراین حوزه‌ها باید به رایه متون درسی همت گمارند، زیرا مفاهیم در طول تاریخ یکسان نمی‌ماند، پاره‌ای منسوخ و پاره‌ای تغییر معنا می‌دهند. بعلاوه، مباحث تطبیقی و توجه به مسایل روز و جدید علمی مورد نیاز جامعه باید مورد توجه واقع شود. البته بنا به نظر حجت‌الاسلام رفعتی، معاون آموزش مدیریت حوزه علمیه قم، تغییر در متون آموزشی باید بسیار با تامل، تعقل و بدون هر گونه شتابزدگی انجام شود. باید افرادی که عالم و دارای قلمی روان و گویا و بیانی زیبا هستند، مشغول تدوین شوند و گروهی از صاحب‌نظران محتوای تهیه شده را نقد و اصلاح کنند (پیام حوزه، ۱۳۹، ص ۶۵). علاوه بر آن، این محتواها همواره باید با نظر دانشمندان، مدرسان، مقتضیات زمان و دیدگاههای طلاب مورد بازنگری قرار گرفته و تکامل یابند.

۴- مسؤولیتهای متعدد حوزه با شیوه آموزشی واحد سازگار نیست. غیر معقول است که حوزه‌ها تربیت مجتهد، مفسر، متکلم، مبلغ و ... را در زمره مسؤولیت خویش بدانند، اما در سبک و شیوه آموزش، متون واحدی را برای تمام طلاب توصیه کنند. در حوزه‌ها با توجه به رشته‌های تخصصی باید متون اختصاصی مطرح و پیشنهاد شود که با آینده و اهداف رشته تحصیلی سازگاری عمیق داشته باشد. بسیاری از طلابی که در حوزه‌ها به سر می‌برند، آموخته‌هایشان با شغل آینده آنان هیچ‌گونه ارتباطی ندارد. نظام موجود آموزشی در حوزه برای فقاقت و اجتهاد در احکام فقهی تنظیم و متداول شده است. سیستم یکسان آموزشی، این قدرت انتخاب را به طلبه نمی‌دهد که با تعیین هدف دیگر، رشته و نظام آموزشی متناسب با آن هدف را برگزینند. تحقیق در معارف و احکام دینی و تبلیغ آن دو مسؤولیت عمده حوزه‌هاست که در شکل سنتی آن، این دو وظیفه با همدیگر قرین بوده‌اند، اما در زمان کنونی امکان‌پذیر نیست. از یک سو، دامنه تحقیق افزون شده و از سوی دیگر تبلیغ با ویژگیها و هنرهای آمیخته شده که همگان قدرت اجرای آن را ندارند. بنابراین، باید کسانی که صلاحیت تحقیق را دارند، رشته‌های تحقیقی را برگزینند و برای رشته تبلیغ نیز کسانی گزینش شوند که در قسمتهای مختلف تبلیغ، علاقه و استعداد لازم را داشته باشند (حوزه، ۱۳۶۸، صص ۱۹-۲۱).

بنابراین، یکی از راههای مهمی که حوزه در پیش دارد، مساله تبلیغ دین اسلام است که برای تامین این هدف، ناگزیر است دو کار اساسی انجام دهد: ایجاد پشتوانه‌ای مالی و قابل اعتماد جهت برنامه‌ریزی تبلیغ در داخل و خارج کشور و بازنگری روی مساله خمس، زکات، کفارات، نذور و دیگر منابعی که مردم فی سبیل الله کمک می‌کنند

(شاملی، ۱۳۷۸، ص ۱۷). اهمیت تبلیغ و جایگاه آن در حوزه از آنجا مشخص می‌گردد که حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نیز روی این مساله تاکید داشته‌اند. حضرت امام در یکی از سخنان خود فرموده‌اند: «امواج فرهنگی و از جمله کتاب، روزنامه و مجله به قدر کافی از حوزه منتشر نمی‌شود. امروز تبلیغ از حوزه‌ها جدا شده و فراهم کردن مواد تبلیغ مثل دسته‌بندی و مشخص کردن مباحثی که لازم است برای انواع مستمعان انجام گیرد، در حوزه وجود ندارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد» (منشور ولایت، ۱۳۷۴، ص ۱۹)

۵- تحقیق، یکی از کارهای بنیادی برای گسترش علم و حل مشکلات گوناگون جامعه است. پژوهش در حوزه نباید فقط به بررسی آثار گذشتگان و آشکار کردن نقاط ضعف و قوت آنان خلاصه شود. در حوزه‌ها بهتر است از طلاب خواسته شود که زیر نظر یک استاد با تجربه در یک موضوع علمی، تحقیق و پژوهش نمایند و همین پژوهشها یکی از ملاکهای شناسایی مرتبه علمی طلاب باشد. خوشبختانه در مقطع خارج حوزه علمیه قم پژوهش در حال مرسوم شدن است. انجام این پژوهشها سبب می‌شود که گنجینه گرانبهایی از مسایل اسلامی در رشته‌های مختلف حوزوی در اختیار حوزه و دانشمندان قرار گیرد. بخش مهم و اصلی باید پژوهش درباره مسایل گوناگون فقهی، کلامی و مسایل اجتماعی روز باشد. در همین راستا، حوزویان باید از انواع شیوه‌های تحقیق رایج در جهان استفاده کنند، نه اینکه فقط از طریق متون علمی موجود درباره همه مسایل به پژوهش پردازند. این نوع پژوهشها، موجب شکوفایی حوزه می‌شود و شکوفا شدن حوزه نیز موجب حل معضلات دینی و اجتماعی جامعه شده و جامعه را به راه انبیاء علیهم‌السلام رهنمون می‌سازد. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای در آغاز درس خارج فقه بر مساله تحقیق و تفکر در حوزه‌ها تاکید نموده و فرموده‌اند: «اساسی‌ترین وظیفه حوزه‌های علمیه تولید فکر است. تولید فکر اساسی، تبیین و تحکیم مبانی اسلامی و ایستادگی در مقابل شبهات دینی از وظایف اساسی امروزه حوزه‌هاست.» (جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

۶- یکی از راههای ترمیم حوزه و جهت دادن آن به سوی رشد و بالندگی، تبادل علمی است. تبادل علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حوزه با دانشگاه و استفاده از محاسن نظام آموزشی یکدیگر. همچنین تبادل با مراکز مهم دین‌شناسی و اسلام‌شناسی دنیا مانند دانشگاه‌های مصر، شرکت قوی در کنفرانسهای علمی، تحقیقی و یا مبادله کتاب، مجله‌ها و مقاله‌های تحقیقی که میتواند کارساز و راهگشا باشد.

نخستین کار در تبادل علمی با جهان اسلام، فراگیری زبان مشترک است. زبان مشترک مسلمانان زبان عربی است که میتواند وسیله ارتباط بین آنها باشد. متأسفانه سیستم آموزشی حوزه به گونه‌ای نیست که طلبه با زبان رسمی جهان اسلام مکالمه کند. این ضعف به صورت ناخودآگاه حالت روانی در افراد پدید می‌آورد که گرایش و شوق و ذوقی به ارتباط با دیگران ندارند (حوزه، اسفند ۱۳۷۴، ص ۸۱). فراگیری سایر زبانهای دنیا نیز از ابزارهای مهمی است که به ما توان علمی و بهره‌گیری از اندیشه‌های دیگران را می‌دهد و همچنین طلاب بهتر میتوانند به تبلیغ پردازند. از این رو مقام معظم رهبری می‌گوید: امروز در دنیایی که این همه به هم وصل است، اگر کسی بخواهد بنحو کامل مفید باشد، باید زبان خارجی یاد بگیرد و اگر طلاب در وقت صرفه‌جویی کنند، میتوانند به تعلیم زبان خارجی هم پردازند (به نقل از مجله حوزه، ۱۳۶۸، ص ۴۸).

۷- استفاده از تکنولوژی آموزشی: تکنولوژی آموزشی روشی است منظم برای طراحی، اجرا و ارزشیابی فرآیند تدریس و یادگیری که منجر به یادگیری سریعتر، موثرتر و پایدارتر می‌گردد (احدیان، ۱۳۶۹، ص ۱۰). بنابراین تکنولوژی آموزشی روش و برنامه‌ریزی صحیح برای رسیدن به هدف مقدس و دشوار تعلیم و تربیت انسانهاست که

قادر به رویارویی با مسایل جهانی و تغییرات روزمره باشد. اطلاع رسانی و استفاده از کامپیوتر به عنوان یکی از وسایل تکنولوژی آموزشی برای دسترسی سریع و راحت به اطلاعات و ارتباط و تبادل افکار بسیار ضروری است و باید مرکزی ایجاد شود که آخرین مجله‌ها و مقاله‌هایی را که در کشورهای گوناگون درباره دین و مذهب و بویژه تشیع منتشر می‌شود را گردآوری نماید و در اختیار طلاب و پژوهشگران قرار دهد.

همانطور که گفته شد خوشبختانه در سالهای اخیر مراکز متعدد اطلاع‌رسانی و سایتهای اینترنتی حوزوی راه‌اندازی شده و به سرعت در حال گسترش است. اگر چه تا راه‌اندازی فراگیر اینگونه مراکز در همه شهرها و مهمتر از آن، استفاده اساتید و طلاب از رایانه و سایر رسانه‌های آموزشی راه زیادی در پیش است.

ب) دانشگاه

۱- دانشگاه باید از روش مفید مباحثه‌ای، استدلالی و تفکر خلاق در روش آموزش خود بیشتر استفاده کنند. استفاده از این روشها منجر به بروز استعدادها، تقویت و تعمیق یادگیریها و تحکیم روابط استاد و دانشجو می‌گردد.

۲- اساتید دانشگاهها باید در ارائه دروس، آمادگی، تجربیات قبلی و تفاوت‌های فردی دانشجویان را در نظر بگیرند. محتوای کتب درسی باید با توجه به اهداف تربیتی - آموزشی، نیاز جامعه و علائق دانشجویان تدوین شود همچنین، توالی و ترتیب منطقی دروس باید مراعات گردد.

۳- باید تربیتی اتخاذ گردد تا برنامه‌ای منظم و منسجم جهت ارتقا و گسترش ارزشهای معنوی و تربیت اخلاقی بین دانشجویان و دیگر نیروهای موجود دانشگاهها تدوین و اجرا گردد.

۴- باید تربیتی اتخاذ شود تا از گسترش مدرک گرایی و افزایش انگیزه کسب منافع مادی در دانشگاهها کاسته شود و دانشجویان و اساتید یادگیری علوم و دانشها را با انگیزه رسیدن به کمالات انسانی و انجام خدمت متعهدانه به کشور خود کسب نمایند.

۵- از آنجا که حجم متراکم مطالب درسی در برخی رشته‌ها فرصت تأمل، تفکر و ابتکار را به دانشجویان نمی‌دهد، لذا برنامه‌ریزان و مسؤولان باید از حجم مطالب غیر ضروری و کم اهمیت بکاهند و در عوض مطالبی را در کتابها بگنجانند که دانشجویان را به تحقیق و تفکر در حل مسایل و مشکلات موجود جامعه سوق دهد.

۶- معمولا دانشجویان برای آزمونهای تحصیلی، تنها در ایام امتحانات کسب آمادگی می‌نمایند و این منجر به یادگیری سطحی خواهد شد، لذا اساتید دانشگاهها باید با ارائه روشهایی از جمله اختصاص نمره به فعالیتهای علمی دانشجویان، ارائه کنفرانس در کلاس، انجام پژوهش و ترجمه متون انگلیسی، دانشجویان را به مطالعه و تحقیق مداوم و مستمر سوق دهند و در نتیجه سطح و عمق پژوهش را افزایش دهند.

اهمیت و نقش اساسی حوزه و دانشگاه در ترویج علم، تکنولوژی و رشد فرهنگ ایجاب می‌نماید تا همه افراد ذربط، بیش از پیش به ضعفهای هر دو نظام بیندیشند و با لحاظ نمودن قوت‌های آنان و پیشنهادهای ارائه شده در این مقاله، برای اعتلای آنها گام بردارند.

منابع

- ۱- احدیان، محمد، **مقدمات تکنولوژی آموزشی**، تهران، نشر و تبلیغ بشری، ۱۳۶۹.
- ۲- حکیمی، محمدرضا، **هویت صنفی روحانی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۶۱.

- ۳- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، **ضرورت آموزش تاریخ در حوزه علمیه**، گزارش، قم، تیرماه ۱۳۶۵.
- ۴- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، **کاستیهای متون آموزشی حوزه**، گزارش، قم، مهر و آبان ۱۳۶۵.
- ۵- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، **جایگاه اجتماعی حوزه گزارش**، قم، مهر و آبان ۱۳۶۵.
- ۶- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، **راههای ترمین حوزه**، گزارش، قم، اسفند ۱۳۷۴.
- ۷- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، **اهداف و مسؤولیتهای حوزه**، گزارش، قم، بهار ۱۳۶۸.
- ۸- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، **بازسازی و رسالت حوزه و دانشگاه**، گزارش، قم، آذر و دی ۱۳۶۸.
- ۹- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، **حوزه در نگاه حوزویان**، گزارش، قم، بهمن و اسفند ۱۳۷۰.
- ۱۰- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، **امتیازات روش مباحثه‌ای**، گزارش، قم، بهمن و اسفند ۱۳۷۰.
- ۱۱- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، **بایستگی ترمیم حوزه**، گزارش، قم، آذر و دی ۱۳۷۶.
- ۱۲- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، **شیوه‌های تدریس در حوزه**، گزارش، قم، تابستان ۱۳۷۲.
- ۱۳- ذاکری، علی اکبر، **نگرشی به متون آموزشی حوزه**، حوزه، ۳۵، ص ۶۲، ۱۳۷۵.
- ۱۴- ذاکری، علی اکبر، **نگرشی به متون آموزشی حوزه**، حوزه، ۴، ص ۶۹، ۱۳۷۵.
- ۱۵- رضایی اصفهانی، محمدعلی، **شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه**، قم، ۱۳۷۶.
- ۱۶- زادشوش، احمد، **حوزه و اندیشه اصلاح**، فصلنامه دینی و پژوهشی، ۱۳۷۹.
- ۱۷- شورای عالی حوزه علمیه، **نحوه تحصیل در حوزه**، گزارش، قم، ۱۳۷۲.
- ۱۸- شورای عالی حوزه علمیه، **نقاط قوت نظام حوزوی**، گزارش، قم، تابستان ۱۳۷۴.
- ۱۹- شورای عالی حوزه علمیه، **دستاورد‌های اجلاس‌های بررسی نظام آموزشی حوزه**، گزارش، قم، تابستان ۱۳۷۶.
- ۲۰- شورای عالی حوزه علمیه، **مصوبات کمیته علمی شورای عالی حوزه**، گزارش، قم، بهار ۱۳۷۷.
- ۲۱- شورای عالی حوزه علمیه، **آموزش در حوزه علمیه**، گزارش، قم، تابستان ۱۳۷۹.
- ۲۲- شورای عالی حوزه علمیه، **مصوبات شورای عالی حوزه**، گزارش، قم، تابستان ۱۳۷۹.
- ۲۳- شورای عالی و مدیریت حوزه علمیه، **منشور ولایت**، قم: مؤلف، تابستان ۱۳۷۹.
- ۲۴- ضوابطی، مهدی، **پژوهشی در نظام طلبگی**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تابستان ۱۳۷۹.
- ۲۵- نجفی، محمد، **تاریخ آموزش و پرورش در اسلام: بررسی تاریخی و تحلیلی نظام آموزشی حوزه‌های علمیه «جزوه»**، اصفهان، بهار ۷۴.
- ۲۶- مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، **صحیفه نور**، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران، بهمن ۱۳۶۲.
- ۲۷- خامنه‌ای، آیت‌ا... سیدعلی، **روزنامه جمهوری اسلامی**، ۶۴۴۲، ص ۱۳، ۱۳۸۰، شهریور.
- ۲۸- مصباح یزدی، محمد تقی، **مباحثی درباره حوزه**، تهران، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.
- ۲۹- شورای عالی و مدیریت حوزه علمیه، **مجموعه مصوبات شورای عالی حوزه**، قم؛ دفتر طرح و برنامه حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.
- ۳۰- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، **بخشنامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاهها** دفتر وزیر، ۱۳۷۹/۲/۱۰.